

جایگاه زندگی در اشعار پژمان بختیاری

مریم السادات اسعدی فیروزآبادی*

چکیده

هدف این نوشتار، بررسی دیوان اشعار پژمان بختیاری در خصوص نقش مؤثر زن در جایگاه همسر و در مقام مادر است. بخشی از سروده های این شاعر به این مهم اختصاص داده شده است. توصیه های او در این خصوص اکثراً اخلاقی است که جنبه ی کاربردی دارد و غالباً با موازین دین مبین اسلام، علم روان شناسی و رهنمودهای کارشناسان مسائل خانواده و علوم تربیتی مطابقت دارد. وی روی سخنش با زنان است و از آن ها می خواهد با ویژگی هایی چون شرم و حیا، خوشخویی، دلسوزی و همدردی با همسر و احترام گذاشتن به شخصیت او، زندگی مشترک خود را با حلاوت سازند و در تربیت معنوی، عاطفی و اخلاقی فرزندان خود بکوشند.

واژه های کلیدی: زندگی، اخلاق، زن، همسر، مادر، پژمان بختیاری

* عضو هیئت علمی گروه ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور یزد، یزد، ایران. (نویسنده

مسئول: Ma2463@yahoo.com)

مقدمه

حسین پژمان بختیاری، یکی از شاعران نامدار معاصر است. او در سال ۱۲۷۹ شمسی در تهران، چشم به جهان گشود (پژمان بختیاری، ۱۳۸۲: چهل و هشت). پژمان در نه سالگی پدر خود را از دست داد و در بیست و هفت سالگی پس از سال‌ها دوری، مادر به دیدار او نائل آمد (یوسفی، ۱۳۸۸: ۴۲۷). از آنجا که پژمان دوران طفولیت را دور از دامان پرمهر مادر به سر برده، از ارزش مادر و نقش او در پرورش روح و روان فرزند به خوبی آگاه است؛ همچنین ناسازگاری‌های مادر او با پدرش که منجر به ترک زندگی زناشویی و جدایی از فرزند گردید، هرچه بیشتر او را به کنکاش در ویژگی‌های لازم برای یک زن در نقش همسر راغب ساخت؛ لذا او در قسمتی از دیوان اشعارش، به جای خواهر خویش در نقش مادری مهربان، به اندرز خواهر زاده‌ی خود می‌پردازد و فراگیری آنچه در آینده برای او به عنوان زن در نقش همسر و سپس مادر، لازم می‌بیند، یادآور می‌گردد. بسیاری از توصیه‌های شاعر بختیاری در حوزه‌ی اخلاق است. در این جستار، با ذکر شواهد شعری از پژمان، پاره‌ای از این توصیه‌ها به اختصار بررسی می‌گردد و برای پرهیز از اطاله‌ی سخن، در برخی موارد در حین مطلب به دیدگاه اسلام و آراء صاحب نظران علوم تربیتی، خانواده و روان‌شناسی نیز اشاره می‌شود. این مهم، برای توجیه کاربردی بودن رهنمودهای پژمان صورت می‌گیرد و بنا بر آن نیست که در تک تک موارد، به بیان این دیدگاه‌ها پرداخته شود.

۱- ویژگی‌های اخلاقی لازم برای زن به عنوان همسر

—خوشخویی

رشته خوشبختی جنس لطیف	بسته به مویی است چو طبع ظریف
می گسلد رشته به کمتر ستیز	حافظ این رشته توئی ای عزیز
خوی خوش اندوز که خوش منظری	دولت ناپایورست ای پری
بارگران بهر دل شو مباش	در پی آزار دل او مباش

(پژمان ، ۱۳۸۲ : ۲۳۴)

در این ابیات ، زن مسئول حفظ رشته خوشبختی در زندگی دانسته شده است . به گفته پژمان این رشته که به مویی بسته است ، ممکن است با اندک جنگ و کشمکش خانوادگی از هم گسیخته گردد؛ ولی زن قادر است با خوش خویی ، دوام استحکام آن را ضمانت کند. پریور می نویسد، در یک خانواده که از اجتماع یک زن و مرد و بچه ها تشکیل می گردد، زن باید مهربان و با احساس ، آرام و ملایم باشد. (پریور، ۱۳۸۲: ۲۶) زن با خوشرویی خود می تواند زندگی را هم در کام خود و هم همسر و هم فرزندان خود شیرین کند. چنین زنی هرگز در پی آزار دادن همسر خویش بر نمی آید. علمدار در کتاب « الفبای زندگی مشترک » میگوید: « خانمی که به همسرش عشق می ورزد... از گفتن حرف هایی که موجب ناراحتی او می شود پرهیز می کند و حاضر است غم و کدورت را در دل خودش جا بدهد اما باعث نگرانی همسرش نشود » (علمدار ، ۱۳۹۰ : ۴۹)

شوی تو از کوچه چو آید به کوی	خسته و افسرده و آزرمجوی
پیش رو از مهر و به نازش ببین	نازمن چشم نیازش ببین
او چو ترش روست تو با خنده باش	حنظل اگر ریخت ، تو شکر پباش
دارد اگر بر دل مسکین غمی	آتش او را بنشان با دمی
تا به تو دلبستگی افزون کند	غیر ترا از دل بیرون کند

(پژمان ، ۱۳۸۲ : ۲۳۴ - ۲۳۵)

پژمان به زن توصیه می کند، هنگامی که شوهر خسته از کار روزانه وارد خانه می شود ، با چهره ی خندان به استقبالش برود و آلامش را تسکین دهد. در احادیث ، چنین زنی از کارکنان خدا قلمداد شده و پاداش او نصف اجر شهید دانسته شده است. (پاک نژاد ، ۱۳۷۶ : ۱۶۰)

پژمان براین باور است اگر زن با خوشرویی با همسرش برخورد کند و حتی در مقابل ترشرویی و بداخلاقی های او ، با چهره ای گشاده از همسرش استقبال کند، دل بستگی های شوهر به او بیشتر شده ، مهر زنان دیگر از دلش خارج می گردد. علمدار می نویسد : « مردها به همسری که محبت می کند توجه بیشتری دارند. در مقابل بدخلقی های او خوش اخلاق باشید » (علمدار ، ۱۳۹۰ : ۱۴۷) نبی مکرم اسلام(ص)، حتی زنان را از نگاه خشم آلود به شوهر برحذر داشته اند. (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۲۴۳)

-شرم و حیا

اشک صفا نغمه مستی زن است	روح طبیعت گل هستی زن است
شرم وحیا سنگ ترازوی اوست	رنگ وفا جلوه گر از روی اوست
از گل او جلوه گری خواسته ست	آنکه زنان را چو گل آراسته ست
نسل بشر باقی ازین ماجراست	عشوۀ او بانی کاخ بقاست
دردش از راه خیانت به دور	لیک غروریست درو ، کاین غرور
هست زصد راه نگهبان او	ترس خدا، نام پدر ،مهر شو

(پژمان، ۱۳۸۲ : ۲۳۷)

در ابیات یاد شده ، شاعر ضمن اشاره به زیبایی ها ، جذابیت ها و عشوه گری های زن که خداوند آن ها را برای تداوم نسل بشر در وجود زن قرار داده است ، به این مساله اشاره می کند که اگر این خصایص زن، به طور لجام گسیخته جلوه گری کند، هم به او و هم به اجتماع او آسیب وارد می شود؛ بنابراین خداوند زیبایی ، شرم و حیا را در زنان قرار داده تا با پناه بردن به آن ، خود و دیگران را از آسیب ها حفظ کنند. ضمن آنکه غرور زن نیز او را از خیانت به دور می دارد و ایمان و ترس از خداوند که همه جا ناظر بر اعمال همگان است و نیز حفظ آبروی خانوادگی و پای بندی به تعهدات به همسر، او را از لغزش ها حفظ می کند. گفتنی است واژه ی « حیا » که در لغت به معنی خجالت و شرمساری است (معین، ۱۳۷۱). در اصطلاح ، آن ملکه ی نفسانی است که موجب بازداشتن نفس از کارهای زشت و خلاف ادب می گردد تا مورد سرزنش واقع نشود. (مجلسی ، بی تا : ۳۲۹)

در روایتی که اصبع بن نباته از امیرمؤمنان (ع) نقل می کند آمده است که اگر خداوند در زنان حیا را قرار نداده بود، به هر مردی نه زن می آویخت. (کلینی، ۱۳۵۰: ۳۳۸) امام صادق (ع) نیز می فرماید: « حیا ده جزء دارد نه جزء آن در زنان و یک جزء در مردان است » (صدوق، بی تا: ۴۳۹)

– صلح و سازش و پرهیز از خرده گیری

زن چو شود مدعی و نکته گیر	مرد شود از وی و از خانه سیر
ساز مکن نغمه ناساز را	راه مخالف مده آواز را
مرد که برتر ز تو بود از نخست	نیست گر ایدون ز تو برتر چوتست
باید با او تو برابر شوی	لیک مکن جهد که برتر شوی
از تو فزون است چو نیروی مرد	تکیه کن آهسته به بازوی مرد

مایه فتح تو درین رستخیز سازش و صلح است ، نه جنگ و ستیز

(پژمان ، ۱۳۸۲ : ۲۳۵ - ۲۳۶)

پژمان بختیاری براین باور است بهانه گیری ها و عیب جویی های زن ، همسرش را از خانه فراری می دهد. علمدار می گوید، زن باید در خانه که کانون نشاط و سعادت است ، محیط را چنان سامان بخشد و آسایش همسر را طوری فراهم آورد که او ، به سر بردن در خانه را بر هر تفریحی در خارج از خانه ترجیح دهد. (علمدار ، ۱۳۹۰ : ۵۶ - ۵۷) حسینی (۱۳۹۰ : ۶۷) نیز ، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد روابط سالم میان زوجین را سازگاری و هماهنگ کردن خود با شرایط زندگی می داند. حال اگر زنی با خرده گیری ها و نغمه های ناساز خود ، همسرش را از خانه فراری دهد، این خود اوست که فضای گرم خانواده را دچار تشنج کرده است.

شاعر با مقایسه وضع جامعه در ادوار گذشته که مردسالاری بر آن حکومت می کرده با اوضاع عصر خود که به سبب تحولات فرهنگی و اجتماعی ، زنان به جایگاه بالاتری دست یافته اند و فریاد برابری با مردان را سر می دهند، از جنس زن می خواهد از برتر پنداشتن خود بر مرد امتناع کرده ، به برابری با او بسنده کند و از آن جا که مرد از لحاظ جسمانی قوی تر است ، زن را به تکیه کردن به مرد دعوت می کند.

گفتنی است از نظر روان شناسی نیز ثابت شده است که زن مایل است در زندگی سایه ی مردی قوی و دانا بر سرش باشد و مرد دوست دارد تکیه گاه خانواده باشد و از اعضای خانواده اش حمایت کند (پریور ، ۱۳۸۲ : ۲۷) بنابراین به عقیده ی پژمان ، برای دست یابی به پیروزی ، بهتر است زنان از در صلح و سازش وارد شوند و از جنگ و ستیز دوری گزینند. در کتاب الفبای

زندگی مشترک آمده است : « مخالفت علنی و شدید با رفتار و اخلاق شوهر نتیجه سودمندی

ندارد ، چه بسا نقطه ضعف او را شدید تر هم می کند» (علمدار ، ۱۳۹۰ : ۱۵۳-۱۵۴)

پژمان بختیاری ، زنان را از عیب جویی از همسر باز می دارد و آنان را دعوت می کند به جای

توجه به عیوب و کاستی ها ، به وجوه مثبت شخصیت همسر خود توجه کنند و آن ها را در نظر

خود برجسته سازند.

در همه کس بی سخن از مرد و زن ضعیفی و نقصی بتوان یافتن

چند خطا بین شوی و عیب جو چشم هنر بین خطا پوش کو؟

(پژمان ، ۱۳۸۲ : ۲۳۵)

علمدار می نویسد: « باید این واقعیت را هم زن و هم شوهر بپذیرند که همسر آنها مثل هر انسان

دیگری دارای نقاط ضعفی است. آدم کامل و بی عیب پیدا نمی شود. پاره ای از نقاط ضعف

همسر را می توان مرتفع کرد و پاره ای دیگر را به هیچ وجه نمی توان تغییر داد. زن یا شوهری

که قصد دارد زندگی زناشویی خود را از آفات و طوفان های سهمگین دور کند، باید بکوشد تا با

نقاط ضعف کنار آید و زندگی مشترک را با وجود این ضعف ها متعادل سازد.» (علمدار ، ۱۳۹۰ :

(۱۵۳)

- احترام گذاشتن به شخصیت همسر

... شوی تو سرباز فرودست نیست کایستد آنجا که تو گویش ایست

او نه از آن گشته هماواز تو تا که برقصد به همه ساز تو

با او شاید که تو همخو شوی او نشود چون تو ، تو چون او شوی

گفتمت ای ماه که آهسته باش لیک نگفتم که زبان بسته باش

مرد چو با خلعت شایستگی است با او تکلیف تو آهستگی است
ور نه تو چندان که شوی رامتر اوست گرانجانتر و خود کامتر
ای پری آیین ملایک نهاد نام چنین شوی نصیبت مباد
(پژمان، ۱۳۸۲: ۲۳۶)

یکی از وظایف اخلاقی زن در نقش همسر، احترام گذاشتن به شوهر و حفظ شخصیت اوست. از جمله کارکردهای خانواده، بر آوردن نیازهای روانی است و نیاز به احترام، یکی از نیازهای روانی هر فرد محسوب می شود. (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۵۷) زن در خانه نباید با تسلط بر مرد، شخصیت او را درهم شکند. پریور می نویسد: «اگر حقیقتاً خانمی پیدا شود که به شوهر خود آن قدر تسلط پیدا کند که او را بنده و زر خرید خود سازد و مطیع و مطاع گرداند، تازه اولین خشت بدبختی زندگی اش را بنیان گذاری کرده است. چه، خانواده معمولاً از اجتماع یک زن و یک مرد و بچه ها تشکیل می شود و در این اجتماع کوچک، هر چه مرد زحمتکش، پرطاعت، با گذشت، صبور و بردبار است، زن باید آرام، ملایم، مهربان و با احساس باشد» (پریور، ۱۳۸۲: ۲۶)

پژمان چنین می پندارد که این زن است که باید خود را با خوی و خصلت همسرش تطبیق دهد نه این که مرد تابع زن گردد، البته ابیات بعدی شاعر نشان می دهد که منظور او آن نیست که زن صددرصد مطیع بی چون و چرای همسرش با هر شرایطی گردد، بلکه زن باید در مقابل همسری نیک و شایسته از خود ملایمت و انعطاف نشان دهد در غیر این صورت، تبعیت زن از مردی خود کاهه و مستبد، هر چه بیشتر او را گستاخ می سازد و باید از آن اجتناب شود. جوادی آملی نیز می نویسد: «اگرچه خشم و خشنودی خدا نسبت به زنان بر محور خشم و خشنودی همسرانشان

است، این به معنای تمکین زن در برابر همه خواسته های مرد نیست، بلکه خواسته او باید مشروع و بر محور حقوق مردان بر زنان باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۶۶)

- دلسوزی و همدردی با همسر

زن و مردی که با عشق زندگی مشترک خود را آغاز می کنند، در همان آغاز تعهد می کنند در سختی و آسانی کنار هم باشند و از حال یکدیگر غافل نمانند. بدیهی است مرد در راه تأمین معشیت خانواده، سختی ها و دشواری های زیادی را باید بر خود هموار کند، حال اگر همسر او با بی اعتنائی به مشقاتی که مرد تحمل می کند، تنها به فکر آسایش خود باشد، همسر او نیز کم کم دلسرد گشته، انگیزه خود را برای کار و تلاش بیشتر از دست می دهد. پژمان بختیاری در قالب یک مثنوی، ماجرای زنی را به تصویر می کشد که برای همدردی و قدردانی از همسر خویش که برای تأمین معاش خانواده در زیر آفتاب سوزان مشغول درو است، از نوشیدن آب خنک و گوارا امتناع می کند.

پیرزنی گفت به دهقان زنی :	با خود، ای دوست مگر دشمنی
پرتو خورشید فروزان ترا	سوخت به بیهوده ندانم چرا...
آب خنک داری و سردابه هم	از چه کنی بر تن نازک ستم ؟
گفت بدان پیرزن آن شیرزن :	غم مخور ای مادر من بهر من
شوهر من زیر همین آفتاب	گرم درو باشد و من سایه خواب ؟
ز آب خنک تر نشود کام او	من شوم از آب خنک کامجو؟

(پژمان، ۱۳۸۲ : ۲۳۴)

۲- آراستگی زن در خانه

شب که به جز شوی تو در خانه نیست موی تو ژولیده و رخ روغنی است...
بایدت آراسته بود ای صنم لیک نه در کوچه ، که در خانه هم
خانه ازو ، جامه ازو ، نان ازو هست و ترا جلوه به بازار و کو...
(پژمان ، ۱۳۸۲ : ۲۴۷)

آرایش زن در خانه برای همسرش ، امری است که در روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام
نیز توصیه به آن بسیار دیده می شود و برعکس از آرایش کردن زن برای نامحرم نهی گردیده
است . امام باقر(ع) به زنان سفارش می کنند حتی اگر به آویختن گردنبندی باشد ، آن ها خود را
برای همسران خویش بیارایند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۰۹)

پژمان نیز در این اشعار ، زنانی را که در خانه و در حضور شوهر با وضعی ژولیده به سر می برند
و هنگام خروج از خانه ، خود را آراسته ، جلوه گری می کنند مورد سرزنش قرار می دهد. در
کتاب الفبای زندگی مشترک نیز ، یکی از توصیه ها به زنان برای تحکیم خانواده و جلوگیری ا
ز گسسته شدن پیوند زناشویی ، توجه به این امر است . (علمدار ، ۱۳۹۰ : ۱۱۶)

۳-وظایف زن در نقش مادر

از مهمترین ابعاد شخصیتی زنان ، منزلت آنان در نقش مادری است . زنان به سبب این وظیفه ی
فطری ، از شرافت و کرامت والایی برخوردارند و می توان گفت زیباترین و ارزشمندترین وجه
مشخصه زنان در عرصه ی خانواده در جایگاه مادری متبلور می گردد. درمکتب اسلام ، زنان به
سبب مسئولیت مادری و مشقاتی که مادران تحمل می کنند، از احترام ویژه ای برخوردارند و حتی
در این زمینه بر پدران مقدم اند (جلیلی ، ۱۳۸۳ : ۴۵ - ۴۶)

مادر در دیوان پژمان از جایگاهی بس رفیع برخوردار است و شاعر که از نقش مادر در تربیت فرزند و تثبیت شخصیت او به خوبی آگاه است، با رها از درد بی مادری ناله می کند. (پژمان، ۱۳۸۲: ۳۲۸-۳۲۹، ۴۱۷-۴۱۸) اما علاوه بر این، آن جا که حضور مادر در دیوان پژمان بسیار پر رنگ است، آن جایی است که شاعر به جای خواهر خود در نقش مادر، خواهرزاده ی خویش را اندرز می گوید و تمام آنچه را که یک دختر از سنین کودکی تا بلوغ و ازدواج و زندگی زناشویی باید بداند در قالب شعر به زبان مادرانه بیان می کند. مادر در این جا خواهر پژمان بختیاری است؛ اما سخنگو شخص شاعر است که قافیه پرداز دل اوست و خواهر زاده ی شاعر اگر چه چند ماهی بیشتر ندارد، اما شاعر عمر او را سالها پیش برده، قدم به قدم او را نصیحت می کند. او، ضرورت این نصیحت گری را این چنین بیان می کند:

زندگی ای طفل مبارک قدم	راه دراز است پر از پیچ و خم
گرچه در این ره که گذرگاه تست	مهر خدا رهبر و همراه تست
لیک مرا نیز درین بند و بست	علم و عمل داده چراغی به دست
پس بستان زین ادب اندوخته	مشعلی از تجربه

افروخته

(پژمان، ۱۳۸۲: ۲۲۰)

به اعتقاد شاعر، اگر چه در راه پر پیچ و خم زندگی، مهر خداوند دختر را همراهی و رهبری می کند، اما تجربه ای که مادر در طول سال ها کسب کرده، می تواند چون چراغی راه را برای زندگی بهتر برای دختر روشن سازد.

۴- توصیه های مادر به دختر در پرورش فرزند

یکی دیگر از مطالبی که مادر راجع به آن با دختر سخن می گوید، در ارتباط با تربیت و پرورش فرزند است. او لزوم وجود خرد و هنر را برای مادر برای نیل به این مهم متذکر می گردد؛ چرا که مادری خود هنر است و مادر هنرمندی است که با عقل و احساس میوه دل خود را می پرورد.

نخل تو ای باغ برومند عشق شاخ نو آورد زپیوند عشق ...
رشته گهواره چو در مشت تست جنبش عالم به سرانگشت تست
گر تو هنر جوی و خرد ورشوی دختر کم ، نابغه پرور شوی...
عزت مادر نه ز پر زادنست عضو مفیدی به جهان دادنست

(پژمان ، ۱۳۸۲ : ۲۴۹)

به گفته ی پژمان ، عزت و ناکامی فرزند از مادر است و چنانچه مادر ، از درایت و شخصیت والایی برخوردار نباشد، نمی توان این ها را از فرزند او سراغ گرفت.

پژمان بختیاری مخصوصاً به تربیت و پرورش دختر بسیار اهمیت می دهد ؛ چرا که او در آینده به عنوان زن در نقش همسر و بعد مادر ، نقش مهمی در خانواده ایفا می کند.

...کانچه جهان بخش و جهان پرورست در بر من تربیت دخترست
اوست که پرمایه کند مرد را ما حاصل جمع کند فرد را
کار جهان بسته به تدبیر اوست پرورش نسل نو از شیر اوست...
جامعه با رشته ی او محکم است در صفتش هر چه بگویم کم است
(پژمان، ۱۳۸۲: ۲۱۸)

نتیجه گیری

پژمان بختیاری در اشعار خود، برای زندگی بهتر رهنمودهایی ارائه می دهد که اکثر آن ها اخلاقی است. او در قالب اندرز به خواهرزاده ی خویش که دختری خرد است، توصیه های خود را تبیین و تشریح می کند؛ اما در واقع روی سخنش با زنان است و از آن ها می خواهد با در پیش گرفتن سجایای نیک چون شرم و حیا، خوشخویی، صلح و سازگاری، دلسوزی و همدردی با همسر و

احترام گذاشتن به شخصیت او و... زندگی مشترک خویش را با حلاوت سازند و با کدبانوگری خود، در جذب همسر به سوی کانون گرم خانواده کامیاب گردند. علاوه بر آن، پس از آن که صاحب فرزند شدند، در تربیت معنوی، عاطفی و اخلاقی او بکوشند و بویژه در مورد فرزند دختر، رموز زندگی زناشویی را به شایستگی به او بیاموزند. توصیه های شاعر بختیاری، در اغلب موارد با موازین و آموزه های دینی ما مطابقت می کند و مورد تأیید صاحب نظران علم روان شناسی، کارشناسان مسائل خانواده و علوم تربیتی نیز هست؛ بنابراین کاملاً جنبه ی کاربردی دارد و می تواند در زندگی روزمره به کار گرفته شود.

منابع و مآخذ

- احمدی، علی اصغر (۱۳۹۰). «روان شناسی روابط درون خانواده»، انتشارات مهدی رضایی، چ ششم، تهران.
- پاک نژاد، سید رضا (۱۳۷۶). «ازدواج، مکتب انسان سازی»، انتشارات اخلاق، قم.
- پریور، علی (۱۳۸۲). «خانواده و شادکامی»، پیکان، چ اول، تهران.
- پژمان بختیاری، حسین (۱۳۸۲). «دیوان اشعار»، نشر پارسا، چ دوم، تهران.
- جلیلی، محمد رضا (۱۳۸۳). «جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت»، دستان، چ اول، تهران.
- جوادی آملی، عبد... (۱۳۹۱). «مفاتیح الحیات»، اسراء، چ هشتم، قم.
- حسینی، داوود (۱۳۹۰). «روابط سالم در خانواده»، بوستان کتاب، چ بیست و یکم، قم.
- صدوق، محمد علی بن بابویه (بی تا). «خصال» ج ۲، ترجمه احمد فهری زنجانی، انتشارات علمیه اسلامیة، بی جا.
- طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، مؤسسه آل البيت، چ یکم، قم.
- علمدار، مینا (۱۳۹۰). «الفبای زندگی مشترک»، نشر حسام پورنگ.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). «الکافی» ج ۵، دار الکتب الاسلامیه، چ چهارم، تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۰). «کافی» ج ۵، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا). «بحار الانوار»، ج ۷۱، مکتبه الاسلامیه، تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۱). «فرهنگ فارسی»، امیر کبیر، چ هشتم، تهران.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۸). «چشمه روشن»، (دیداری با شاعران)، نشر علمی، چ دوازدهم، تهران.

The situation of life in peyman Bakhtiary poetry

By: Maryamossadat Asadi Firoozabadi

Abstract

The purpose of this study is about the role of woman as mother and wife in Pejman Bakhtiary poetry. His recommendations are mostly moral that it has applied aspects and they are corresponded with Islam religious standard frequently and they are confirmed of educations science and Psychology science xperts and family experts.

His addresseds are woman and he asked them to have properties like shame affability compassion and to treat their husbands well and sweat their common lives. and try to upbringing their offspring from spiritual emotional and moral aspect.

Keywords : life , moral , woman , wife , mother , Pejman Bakhtiari